

پرتا بالورس

این بندر بلور درضال

چون ماه تو به کله می سمین

در ساحل مد سترانه می آبی

+ پشش به کوه و روغن به دریا

با نخل می لرزن که هست

چون پیکر فردنگر "کارین"

آراسته به گوی مرغل ؟

تا چشم کار می کند انبیا

کسی کنار کسی دیگر

این عطر کسی نور شنود

شب؟ چو می شود چو امان

بنداری آسان شده دارون

با آن چه ستاره به دریا

« کوشش نسلگان »

از « یاد مردم » سان خبری است ؟

انبیا ~~از~~ تنگدستی و غریب

حاجن غمین و عظیم تر است ؟

اسیانه های شعرو حیا سه

ای که زلفین رقص و سمانه

جویندگان حقوق و عدالت

سهند در خاک تو بسیار

بسیار تر به روی زمین است

آزادگان عازم حیار

اسیانه که روح تو والاست

تاریخ تو به زرم رآش

آغشته ز محو بوج به دریا